

بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق الزحمه حسابداری

دکتر فردین منصوری*

مسلم سعیدی گراغانی**

ناهید اسدی دوبانی***

چکیده

در سال‌های اخیر شرکت‌های متعددی به منظور اصلاح ساختار مالی و خروج از شمولیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت، اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر جاری و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی کرده‌اند. این عمل (با توجه به شرایط تومی جامعه) در اغلب موارد، موجب افزایش میزان دارایی‌های شرکت گردیده و تغییراتی در صورت‌های مالی ایجاد می‌کند و ناشی از این مسئله حسابرسان نیز ممکن است نسبت به حق الزحمه خود تجدید نظر نمایند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر هزینه‌های حسابداری شرکت‌ها است. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۱۲۷ شرکت (شامل ۶۲ شرکت که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده‌اند و ۶۵ شرکت که دارایی‌های خود را به بهای تمام شده تاریخی نگهداری می‌کنند) از فهرست شرکت‌هایی که طی دوره زمانی ۹۴-۸۷ در بازار

* استادیار حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

** مربی حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: مسلم سعیدی گراغانی (Email: moslem.saeidi@acc.usb.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۳۱

سرمایه ایران حضور داشته، مشخص و داده‌های مورد نیاز نیز از گزارشات مالی آنها استخراج گردید. برای آزمون فرضیه تحقیق از نرم‌افزار Eviews9 و داده‌های تابلویی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسی در شرکت‌های مورد مطالعه شده است. همچنین شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از مدل بهای تمام شده تاریخی استفاده می‌کنند، هزینه حسابرسی بیشتری متحمل می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: بورس اوراق بهادار، تجدید ارزیابی دارایی‌ها، قانون تجارت، هزینه حسابرسی.

مقدمه

تصمیم‌گیری صحیح، نیازمند اطلاعاتی است که بیانگر واقعیت بوده و منطبق بر وضع موجود باشد. کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان و تغییرات عمده در قیمت‌های نسبی کالا و خدمات، موجب می‌شود اطلاعات مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی دارایی‌های ثابت گزارش شده در صورت‌های مالی، از ارزش‌های جاری به‌عنوان بیان‌کننده واقعیت‌های اقتصادی، به‌شدت فاصله بگیرند. برای حل این مسئله، انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری در بسیاری از کشورها مثل آمریکا، کانادا و انگلستان، راه‌کارهایی را برای بهبود گزارش‌های مالی ارائه کرده‌اند. در ایران نیز بر اساس استاندارد شماره ۱۱ با عنوان حسابداری دارایی‌های ثابت مشهود، تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت به‌عنوان روش مجاز پذیرفته شده است (رحمانی و حمیدی، ۱۳۸۵).

بر اساس محتوای گزارش‌های توجیهی افزایش سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مهم‌ترین اهداف تجدید ارزیابی دارایی‌ها، اصلاح ساختار مالی و خروج از شمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت عنوان شده است. اما از مدیریت سود و بهتر نشان دادن وضعیت مالی شرکت نیز می‌توان به‌عنوان سایر انگیزه‌های تجدید ارزیابی نام برد. هیئت استانداردهای

حسابداری مالی (FASB)^۱ بیان می‌دارد که بازارهای فعال برای برخی دارایی‌ها نسبتاً کمیاب هستند، به این معنی که اشخاص ثالث باید ارزش‌های متعارف را با استفاده از برآورد و روش‌های ارزیابی معین کند (کریستنسن و نیکولاو^۲، ۲۰۱۳). انتخاب ارزش‌های متعارف به عنوان مبنای تهیه صورت‌های مالی به دلیل ماهیت برآوردی، موجب پیچیده‌تر شدن اثبات‌پذیری ارقام مندرج در صورت‌های مالی شده و تلاش حسابرسان و بالطبع هزینه‌های حسابرسی را افزایش می‌دهد (اترج و همکاران^۳، ۲۰۱۳). به‌علاوه، کوماراسیری و فیشرف^۴ (۲۰۱۱) دریافتند که حسابرسان نیز معمولاً اطلاع کافی برای تحقق ارزش متعارف برآورد شده ندارند. علاوه بر این، ارزش متعارف می‌تواند منجر به افزایش ریسک حسابرسی و بالطبع افزایش بهای خدمات حسابرسان شود (دای‌فی و همکاران، ۲۰۱۵). حسابرسان نیز باید روش‌هایی را به کارگیرند که ریسک این ارقام را به حداقل برسانند. در این راستا حسابرس باید شواهد کافی و قابل قبولی را درباره برآوردهای حسابداری گردآوری کند تا از منطقی بودن آنها در شرایط موجود و در صورت لزوم، افشای مناسب آنها اطمینان حاصل کند، زیرا شواهد پشتوانه برآوردهای حسابداری اغلب دشوارتر از شواهد پشتوانه سایر اقلام مندرج در صورت‌های مالی به دست می‌آید و از قطعیت کمتری نیز برخوردار است. این امر باعث می‌شود با تلاش بیشتر حسابرسان برای انجام کار حسابرسی، هزینه‌های حسابرسی افزایش یابد.

از سال ۲۰۰۵، تاکنون، بیشتر کشورها استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته و به کار گرفته‌اند. علاوه بر هدف افزایش کیفیت و قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، پیامدهای اقتصادی مثبت فراوانی برای این استانداردها متصور است؛ اما پذیرش و به‌کارگیری این استانداردها، می‌تواند هزینه‌هایی نیز به همراه داشته باشد. از جمله هزینه‌های پذیرش و اجرای این استانداردها، می‌تواند افزایش حق‌الزحمه حسابرسی باشد.

با توجه به مطالب بیان شده و به کارگیری ارزش متعارف جهت ارتقاء سودمندی صورت‌های مالی و گزارش‌ها حسابداری در فراهم آوردن زمینه مناسب جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی لازم است رابطه بین استفاده از تجدید ارزیابی دارایی‌ها و هزینه‌های حسابرسی بررسی گردد. زیرا ممکن است بر اساس ملاحظات هزینه-منفعت، گزارشگری ارزش متعارف به دلیل بالا بودن مخارج تجدید ارزیابی و بالا رفتن احتمالی هزینه‌های حسابرسی، برای واحد تجاری صرفه اقتصادی به همراه نداشته باشد.

چارچوب نظری

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوع‌های مورد علاقه بسیاری از محققان حسابرسی است و تاکنون مطالعه‌های زیادی در این زمینه انجام شده است. اگر چه روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعات تا حدودی با یکدیگر متفاوت است، ولی اکثر آنها یک هدف عمده را دنبال می‌کنند و آن تشخیص عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است. آگاهی از این عوامل، هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مفید است (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹).

هیئت تدوین استانداردهای مالی^۵ و هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابداری^۶، ارزش منصفانه را اساسی‌ترین مبنای اندازه‌گیری می‌دانند، طرفداران ارزش منصفانه ادعا می‌کنند که اطلاعات ارزش منصفانه تنها اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری مالی هستند به طوری که ارزش منصفانه برآوردهای بروز و کاملی از ارزش دارایی‌ها و تعهدها بعلاوه زمان‌بندی و مخاطره‌های جریان‌های نقدینگی آینده را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد (براتن و همکاران، ۲۰۱۶).

یکی از دیدگاه‌های زیربنایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تأکید بر ارزش‌های منصفانه است. هیئت تدوین استانداردهای حسابداری در این استانداردها قصد دارد تا استفاده از ارزش‌های منصفانه را جایگزین بهای تمام شده تاریخی کند که از زمان پیدایش

ثبت دوطرفه مورد استفاده بوده است (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۴). ارزش منصفانه دارایی‌های ثابت مشهود معمولاً بر اساس ارزش بازار آنها تعیین می‌گردد. این ارزش بر مبنای شواهد بازار و توسط ارزیابان باصلاحیت حرفه‌ای تعیین می‌شود از آنجا که مبالغ دفتری دارایی‌های ثابت مشهودی که به مبلغ تجدید ارزیابی در ترازنامه نمایش می‌یابد، مبتنی بر برآوردهای ارزیابان و کارشناسان مستقل است، بنابراین در شرایط کنونی دستیابی به اطلاعات مرتبط و قابل اتکاء در مورد ارزش‌های منصفانه، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی و به تبع آنها حساب‌برسان با آنها روبه‌رو هستند. ماهیت و قابلیت اتکای اطلاعات در دسترس مدیریت برای حمایت از برآوردهای حسابداری انجام شده بر اساس ارزش‌های منصفانه به شدت تغییر می‌کند که این موضوع بر روی درجه عدم اطمینان برآوردهای مبتنی بر ارزش‌های منصفانه اثر می‌گذارد. زمانی که بازارهای فعال وجود ندارند، قیمت‌های بازار در دسترس نخواهد بود، بنابراین برآوردها باید بر اساس سایر اطلاعات صورت گیرد. لذا، درجه عدم اطمینان ارقام مندرج در صورت‌های مالی افزایش یافته و این موضوع، بر روی ریسک تحریف با اهمیت صورت‌های مالی توسط صاحب‌کار تأثیر می‌گذارد (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۴).

در ایران نیز استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان دارایی‌های ثابت مشهود، تجدید ارزیابی دارایی‌ها را به‌عنوان نحوه عمل مجاز جایگزین تحت شرایطی مجاز دانسته است. طی سال‌های اخیر شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار که مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت شده‌اند، برای برون رفت از شمول این ماده اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سپس افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی می‌نمایند. از آنجا که در اغلب موارد بازارهای فعال برای دارایی‌های ثابت این شرکت‌ها وجود ندارد، انتظار می‌رود حساب‌برسان برای اثبات ادعای ارزش، زمان بیشتری صرف کنند و بالطبع حق‌الزحمه بیشتری مطالبه نمایند.

پیشینه تجربی پژوهش

آلکسیوا و لیکوزوا (۲۰۱۶) در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط بین گزارشگری با سنجه ارزش منصفانه و حق الزحمه حسابرسی روی نمونه‌ای به حجم ۱۷۷ بانک در ۲۴ کشور اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۸ نتیجه گرفتند که نا اطمینانی نسبت به ارزش متعارف دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارد. **دای فی و همکاران (۲۰۱۵)** به بررسی ارتباط بین تجدید ارزیابی‌های دارایی‌های غیر جاری و حق الزحمه حسابرسی با استفاده از یک نمونه ۳۰۰ تایی از شرکت‌های استرالیایی طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ پرداختند. یافته‌های تحقیق آنها نشان داد شرکت‌هایی که اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر جاری خود نمودند، با افزایش قابل ملاحظه‌ای در هزینه حسابرسی مواجه شدند.

گونجاروف و همکاران (۲۰۱۳) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های فعال در حوزه املاک و مستغلات اروپا دریافته‌اند که حساب‌رسان برای اموال با ارزش متعارف در مقایسه با اموالی که با هزینه‌های تاریخی ارزیابی می‌شوند هزینه حسابرسی کمتری مطالبه می‌کنند. **اترج و همکاران (۲۰۱۳)** در الگوی حق الزحمه حسابرسی خود نشان دادند بین حق الزحمه حساب‌رسان و افشای دارایی‌های بانک‌های آمریکایی بر مبنای ارزش‌های متعارف، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. **فیلدز و همکاران (۲۰۰۴)** قبلاً به نتایج مشابهی دست یافته بودند.

کریستین و همکاران (۲۰۱۲) دریافته‌اند سنجه ارزش منصفانه به‌طور قابل ملاحظه‌ای پیچیدگی برآوردها را افزایش داده و در برخی موارد ممکن است برای حساب‌رسان مشکل ساز شود. **مولر و همکاران (۲۰۱۱)** دریافته‌اند در الگوی حساب‌داری بر اساس ارزش‌های متعارف در مقایسه با ارزش‌های تاریخی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد. پژوهش **الیوت و شاو (۱۹۸۸)** نشان داد هدف اصلی تجدید ارزیابی، بهبود کیفیت اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر است که منجر به ارتقا کیفیت صورت‌های مالی می‌شود.

با بررسی‌های انجام‌شده، مشخص گردید تاکنون تحقیقی در خصوص موضوع حاضر در ایران انجام نشده است. بیشتر تحقیقات انجام‌شده، حول محور حق‌الزحمه حسابرسی و عوامل مؤثر بر آن است. در این قسمت به‌مرور اهم تحقیقات انجام‌شده در این خصوص پرداخته می‌شود.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه عدم قطعیت مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که عدم قطعیت مدیریت، ارتباط مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس، تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه بین عدم قطعیت مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی دارند. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد که در صورت زیان‌ده بودن شرکت قبل از سال تغییر مدیرعامل، ارتباط مثبت بین عدم قطعیت مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، برجسته‌تر است. به‌طور کلی، نتایج نشان‌دهنده این است که حساب‌رسان تلاش‌های حسابرسی (منعکس‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی) را برای رسیدگی به ریسک مرتبط با عدم قطعیت مدیریت، افزایش می‌دهند.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه حسابرسی و قیمت‌گذاری کمتر از واقع در عرضه‌های اولیه پرداختند که نمونه این پژوهش شامل شرکت‌هایی است که از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۲ سهام خود را در بورس اوراق بهادار تهران عرضه اولیه کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤسسات حسابرسی بزرگ (مؤسسات با کیفیت‌تر) هزینه حسابرسی بیشتری نسبت به سایر مؤسسات دارند و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری با قیمت‌گذاری کمتر از واقع در عرضه‌های اولیه سهام دارد.

رجبی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت سود و استقلال هیئت‌مدیره در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران پرداختند. برای این منظور ۷۰

شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین حق الزحمه حسابرسی و کیفیت سود و استقلال هیئت‌مدیره، رابطه معناداری وجود ندارد. **زلفی و همکاران (۱۳۹۳)** به بررسی رابطه بین تئوری نمایندگی و با حق الزحمه حسابرسی طی بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۰ پرداخته‌اند که نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین شاخص‌های تئوری نمایندگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پژوهش

نتایج تحقیق **سینارامان و همکاران (۲۰۰۲)** ریسک حسابرسی را به عنوان متغیر مهمی در تعیین حق الزحمه حسابرسی معرفی می‌نماید. سیموتیک نیز در این باره می‌گوید با افزایش ریسک حسابرسی، حساب‌رسان حق الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند (**کریشان و همکاران، ۲۰۱۲**). از آنجا که گزارشگری مالی بر حسب ارزش‌های منصفانه در مقایسه با بهای تمام‌شده، دارای قابلیت اتکا کمتر و بالطبع ریسک بیشتری است، انتظار می‌رود حساب‌رسان در این خصوص حق الزحمه بیشتری مطالبه کنند. ادبیات مورد مطالعه و پیشینه تحقیق، گروه تحقیق را متقاعد کرد که فرضیه این پژوهش به شرح ذیل تدوین شود.

فرضیه پژوهش: تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها می‌شود.

روش پژوهش

طرح این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن پیمایشی و همچنین پژوهشی نیمه تجربی است که در حوزه تحقیق‌های اثباتی حسابداری قرار می‌گیرد که شامل بیان مسئله، فرضیه‌ها، جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها و در نهایت تهیه گزارش تحقیق صورت می‌پذیرد.

در این پژوهش داده‌های مورد نیاز با استفاده از متن صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه آنها، تصمیمات مجمع عمومی عادی سالیانه، گزارش فعالیت هیئت مدیره و نیز اطلاعات موجود در نرم‌افزار اطلاعاتی ره‌آورد نوین و سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران (سایت کدال و مرکز مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار) جمع‌آوری شده و سپس به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از داده‌های تابلویی و نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ است که طی این مدت حداقل یک بار اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود نموده‌اند. در این پژوهش به دلایل زیر برخی از شرکت‌ها از جامعه آماری حذف گردید:

۱. اطلاعات مالی برخی از این شرکت‌ها در دسترس نبود، برای نمونه برخی از شرکت‌ها حق الزحمه حسابرسی را افشا نمی‌کنند.
 ۲. به منظور همگن بودن داده‌ها، سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه می‌بایست به ۲۹ اسفند ختم شود.
 ۳. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها، بانک‌ها و لیزینگ‌ها به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت، مورد مطالعه قرار نگرفتند.
- با استفاده از معیارهای فوق، ۶۲ شرکت در دوره زمانی مورد مطالعه که اقدام به تجدید ارزیابی کرده بودند و ۶۵ شرکت که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نکرده‌اند (در مجموع ۱۲۷ شرکت)، انتخاب و تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس داده‌های این شرکت‌ها انجام شده است.

الگوی پژوهش

برای بررسی تأثیر تجدید ارزیابی‌ها بر هزینه‌های حسابرسی، متغیر تجدید ارزیابی (Revaluation_{it}) و متغیرهای کنترل وارد الگوی رگرسیونی زیر می‌شوند. این الگو از پژوهش **دای‌فی و همکاران (۲۰۱۵)** اقتباس شده است که برای بررسی فرضیه از الگوی شماره ۱ استفاده شده است:

$$\text{LogAUDITFEES}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{REVALUATION}_{it} + \alpha_2 \text{SIZE}_{it} + \alpha_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \alpha_4 \text{CURRENT}_{it} + \alpha_5 \text{INHERENT}_{it} + \alpha_6 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در الگوی فوق:

متغیر وابسته: هزینه‌های حسابرسی (Audit Fees) افشا شده در گزارش سالانه بر حسب ریال شده است. برای نرمال سازی داده‌ها از مبالغ هزینه‌های حسابرسی، لگاریتم طبیعی گرفته شده است (**دای‌فی و همکاران، ۲۰۱۵**).

متغیر مستقل: تجدید ارزیابی (Revaluation) است که متغیر مجازی برابر با ۱ است اگر شرکت *i* هر دارایی‌های ثابت را با ارزش متعارف پس از اولین تشخیص در سال *t* اندازه‌گیری کند؛ در غیر این صورت ۰ است (**دای‌فی و همکاران، ۲۰۱۵**).

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): که برابر با لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت است.
 اهرم (Leverage): که از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.
 نسبت جاری (Current): که از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید.
 ریسک ذاتی (Inherent): برابر است با تقسیم مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی بر کل دارایی‌ها (**دای‌فی و همکاران، ۲۰۱۵**).
 بازده دارایی‌ها (ROA): که از تقسیم سود خالص شرکت بر مجموع دارایی‌های آن به دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول شماره ۱ آمار توصیفی شرکت‌های تجدید ارزیابی شده ارائه شده است. این جدول شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، میانه، بیشینه و کمینه مربوط به متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را دربرمی‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های تجدید ارزیابی شده ۶/۴۹ و میانه آن ۶/۲۵ است. میانگین اندازه برابر ۲۶/۸۱ و انحراف معیار آن ۲/۱۴ می‌باشد. همچنین میانگین اهرم مالی برابر ۰/۶۶ و انحراف معیار آن برابر ۰/۳۱ است. نسبت جاری از میانگینی برابر ۱/۲۸ و انحراف معیار ۰/۴۸ برخوردار است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرکت‌های تجدید ارزیابی شده					متغیر
کمینه	بیشینه	میانه	انحراف معیار	میانگین	
۲/۰۴	۹/۹۰	۶/۲۵	۱/۲۲	۶/۴۹	حق‌الزحمه حسابرسی
۱۸/۴۵	۳۰/۲۱	۲۶/۳۷	۲/۱۴	۲۶/۸۱	اندازه
۰/۱۸	۳/۶	۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۶۶	اهرم
۰/۲۶	۳/۰۵	۱/۲۸	۰/۴۸	۱/۲۸	نسبت جاری
۰/۱	۰/۷۷	۰/۴۶	۰/۲۱	۰/۴۴	ریسک ذاتی
-۲۴/۷۸	۴۹/۹۱	۰/۸۵	۱۴/۸۵	۴/۶۰	بازده دارایی‌ها (درصد)

آمار استنباطی

بررسی هم‌خطی متغیرها

به منظور بررسی هم‌خطی متغیرها از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. با توجه به جدول شماره ۲ از آنجا که مقادیر VIF برای تمامی متغیرها کمتر از ۵ است (البته در برخی منابع مانند کاتر و همکاران، ۲۰۰۴؛ مقدار ۱۰ نیز بیان شده است) بین متغیرها همبستگی شدیدی وجود ندارد.

جدول شماره ۲. نتایج عوامل تورم واریانس

متغیر	VIF
تجدید ارزیابی	۱/۰۶۸
اندازه شرکت	۱/۳۴۲
اهرم مالی	۱/۶۵۰
نسبت جاری	۲/۰۹۵
ریسک ذاتی	۱/۸۱۲
بازده دارایی‌ها	۱/۱۲۵

بررسی ناهمسانی واریانس‌ها

یکی دیگر از فروض کلاسیک که باید قبل از اجرای آزمون نهایی فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گیرد، آزمون ناهمسانی واریانس است. در داده‌های تابلویی (پنل) نیز مانند داده‌های سری زمانی احتمال وجود ناهمسانی واریانس بین جملات وجود دارد. برای کشف ناهمسانی واریانس خطاها از آزمون وایت استفاده شده است که نتیجه این آزمون در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳. نتیجه آزمون وایت

متغیرها	آزمون وایت	
	آماره F	سطح معناداری
فرضیه اصلی	۸/۳۲۸	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون		وجود ناهمسانی

بر اساس جدول شماره ۳، وجود ناهمسانی واریانس جملات تأیید شده است، بنابراین، برای تخمین الگو از روش GLS استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

بر اساس ادبیات اقتصادسنجی داده‌های پانل، قبل از تخمین الگوها لازم است با استفاده از آماره آزمون F لیمر همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های پانل مورد آزمون قرار گیرد. می‌توان بیان کرد که به منظور تعیین الگوی مناسب از بین الگوی تلفیقی و الگوی تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شود که فرضیه صفر آن بیانگر مناسب بودن الگوی تلفیقی است. اگر الگوی تلفیقی مناسب‌تر بود نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست؛ ولی اگر الگوی تابلویی مناسب‌تر باشد، باید الگوی اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی آزمون شود تا الگوی مناسب جهت برآورد تعیین شود که این کار با آزمون هاسمن صورت می‌گیرد و فرضیه صفر بیانگر مناسب بودن الگوی اثرات تصادفی است. نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن برای الگوهای فرضیه پژوهش در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون	سطح معناداری
Cross-section F	۰/۰۰۰
Cross-section random	۰/۰۳۴
تفسیر آزمون F و هاسمن	تخمین با روش اثرات ثابت

نتایج آماره آزمون F لیمر دلالت بر معنادار بودن استفاده از روش داده‌های پانل به جای روش حداقل مربعات معمولی دارد. همچنین نتایج آماره آزمون هاسمن به منظور انتخاب روش تخمین مناسب نشان می‌دهد که برای تخمین الگو، استفاده از روش با اثرات ثابت نسبت به روش با اثرات تصادفی، روش مناسب‌تری است. نتایج حاصل از تخمین الگوی فرضیه پژوهش در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، الگوی تجدید ارزیابی به‌عنوان متغیر مستقل با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، رابطه معناداری با هزینه‌های حسابرسی در

سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد که با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب بتا برای آن، جهت این رابطه نیز مستقیم است. همچنین متغیرهای کنترلی از جمله اندازه شرکت، نسبت جاری، ریسک ذاتی و بازده دارایی‌ها با توجه به سطح کمتر از ۵ درصد، روابط معناداری با هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارا بوده، اما متغیر اهرم مالی به دلیل سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد رابطه معناداری با هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد.

جدول شماره ۵. نتایج حاصل از برآورد الگوی فرضیه پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
تجدید ارزیابی	۰/۶۱۸	۶/۱۶۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۶۵۴	۳۵/۶۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۳۲	۱/۴۵۴	۰/۱۵۵
نسبت جاری	۰/۰۴۱	۴/۹۷۰	۰/۰۰۰
ریسک ذاتی	۰/۱۱۴	۲/۷۴۴	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۰۱	-۶/۶۶۵	۰/۰۰۰
جز ثابت	-۰/۸۹۸	-۷/۷	۰/۰۰۰
آماره F		سطح معناداری	
۲/۹۲۹		۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		ضریب تعیین تعدیل شده	
۱/۸۱۶		۰/۴۶۹	

با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره F در الگو، الگوی رگرسیونی برازش شده نیز به طور کلی معنادار بوده و این امر حاکی از آن است که متغیرهای توضیحی الگو تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده نسبتاً بالای الگو، رگرسیون متغیرهای توضیحی درصد مناسبی از تغییرات هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها را تبیین

می‌کند. آماره دورین واتسون الگوی برازش شده نشان می‌دهد که الگوی برازش شده فاقد خودهمبستگی جدی است.

تحلیل‌های اضافی

در این بخش به منظور بررسی استحکام نتایج به دست آمده، حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کرده‌اند با حق الزحمه حسابرسی سایر شرکت‌ها با استفاده از آزمون t مقایسه شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۶. مقایسه حق الزحمه شرکت‌های تجدید ارزیابی شده و تجدید ارزیابی نشده

متغیر	شرکت‌های تجدید ارزیابی شده		شرکت‌های تجدید ارزیابی نشده		نتیجه
حق الزحمه حسابرسی	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره t
۶/۴۹	۱/۲۵	۵/۱۲	۱/۳۸	۳/۶۵	۰/۰۰۰

همانطور که مشاهده می‌شود با توجه به آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد، می‌توان گفت هزینه حسابرسی شرکت‌های تجدید ارزیابی شده با شرکت‌های تجدید ارزیابی نشده تفاوت معناداری دارد. یعنی شرکت‌های تجدید ارزیابی شده حق الزحمه بیشتری به حساب‌رسان پرداخت می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اساسی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر هزینه‌های حسابرسی است. نتایج به دست آمده از تخمین الگو نشان می‌دهد شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده‌اند، در دوره‌های مالی بعد افزایش محسوسی در هزینه‌های حسابرسی نسبت به دوره‌های قبل از تجدید ارزیابی داشته‌اند. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره F در الگو، الگوی رگرسیونی برازش شده نیز به طور کلی معنادار بوده و این امر حاکی از آن است که متغیرهای توضیحی الگو تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند. همچنین

با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده نسبتاً بالای الگو، رگرسیون متغیرهای توضیحی درصد مناسبی از تغییرات هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها را تبیین می‌کنند. آماره دوربین واتسون الگوی برازش شده نشان می‌دهد که الگوی برازش شده فاقد خودهمبستگی جدی است.

نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش اترج و همکاران (۲۰۱۳)، فیلدز و همکاران (۲۰۰۴)، دای‌فی و همکاران (۲۰۱۵)، الکسیوا و لیکوزوا (۲۰۱۶) منطبق و با نتیجه پژوهش گونجاروف و همکاران (۲۰۱۳) متناقض است. تناقض نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش گونجاروف و همکاران (۲۰۱۳) شاید به این دلیل باشد که در پژوهش حاضر، نمونه انتخابی از کل صنایع است، در حالی که در پژوهش ذکر شده، تنها شرکت‌های فعال در حوزه املاک و مستغلات مورد بررسی قرار گرفته‌اند و احتمالاً به دلیل وجود بازار فعال برای املاک که مهم‌ترین دارایی این گونه شرکت‌ها است، دستیابی به قیمت‌های بازار راحت‌تر و در نتیجه حسابرسان حق الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند. همچنین متغیرهای کنترلی از جمله اندازه شرکت، نسبت جاری، ریسک ذاتی و بازده دارایی‌ها با توجه به سطح کمتر از ۵ درصد، رابطه معناداری با هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارا بوده، اما متغیر اهرم مالی به دلیل سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد رابطه معناداری با هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد.

یکی از محدودیت‌های موجود بر سر راه این پژوهش، عدم افشای هزینه‌های حسابرسی سالانه توسط تعدادی شرکت‌های موجود در جامعه آماری بود که در نهایت محقق مجبور به استفاده از نمونه کوچک‌تری برای انجام تحقیق شد.

با توجه به این که بر مبنای نتیجه این تحقیق، تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به افزایش محسوس هزینه حسابرسی شرکت‌ها می‌شود، به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود قبل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها، ملاحظات هزینه منفعت آن را مد نظر قرار دهند. هر چند که گزارش

دارایی‌ها به ارزش‌های متعارف شفافیت و مربوط بودن اطلاعات مالی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

یادداشت‌ها

1. Financial Accounting Standard Board
2. Christensen and Nikolave
3. Ettredge, Xu and Yi
4. Kumarasiri and Fisher
5. Financial Accounting Standards Board
6. International Accounting Standards Board

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۴). *تحلیل آماری با استفاده از آیبویز در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی*. تهران، انتشارات ترمه.
- پورحیدری امید؛ صفی‌پور افشار، مجتبی؛ گودرز تله‌جردی، علی؛ صفی‌پور افشار، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هزینه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و قیمت‌گذاری کمتر از واقع در عرضه‌های اولیه، *فصلنامه حسابداری مالی*، ۷(۲۶)، ۵۱-۳۱.
- خدادادی، ولی؛ ویسی، سجاد؛ چراغی‌نیا، علی. (۱۳۹۵). عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۷(۲۷)، ۱۰۹-۱۳۳.
- رجبی، روح‌الله؛ قربانی، محمود؛ شعبانی، کیوان. (۱۳۹۴). رابطه هزینه حسابرسی مستقل با کیفیت سود و استقلال هیئت مدیره در بازار بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۵(۵۹)، ۱۰۹-۱۲۶.
- رحمانی، علی؛ حمیدی، الهام. (۱۳۸۵). مبانی نظری و موانع عملی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت. *ماهنامه حسابدار*، ۱۷۶، ۶۳-۵۶.
- زلفی، حسن؛ بی‌ذر، کرامت؛ کمره‌ای، حامد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تئوری نمایندگی با حق الزحمه حسابرسی و ارائه الگوی برآورد حق الزحمه حسابرسی مستقل. *دومین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم مدیریت و حسابداری*، دانشگاه تهران.
- محمدرضایی، فخرالدین؛ یحیایی، منیره؛ حسینی سهی، سیدعباس. (۱۳۹۵). اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر روی ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی. *فصلنامه حسابدار رسمی*، ۳۱(۴۳)، ۶۹-۷۹.
- نیکبخت، محمدرضا؛ تنانی، محسن. (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.

- Alexeyeva, I., Likosova, M.M. (2016). The impact of fair value measurement on audit fees: Evidence from financial institutions in 24 European countries. *International Journal of Auditing*, 20(3), 255-266.
- Afaltooni, A. (2015). *Statistical Analysis by Eviews in Accounting and Financial Management Research*. Tehran, Termeh pub [In Persian].
- Bratten, B., Causholli, M., Khan, U. (2016). Usefulness of Fair Values for Predicting Banks' Future Earnings: Evidence from other comprehensive income and its components. *Review of Accounting Studies*, 21(1), 280-315.
- Christensen, B.E., Glover, S.M., Wood, D.A. (2012). Extreme estimation uncertainty in fair value estimates: Implications for audit assurance. *A Journal of Practice & Theory*, 31(1), 127-146.
- Christensen, H., Nikolaev, V. (2013). Does fair value accounting for non-financial assets pass the market test? *Review of Accounting Studies*, 18(3), 734-775.
- Dai Fei (Troy), Y., Majella, P., Fang, H. (2015). Fair value accounting for non-current assets and audit fees: Evidence from Australian companies. *Journal of Contemporary Accounting & Economic*, 11(2015), 31-45.
- Elliot, J., Shaw, W. (1988). Write-offs as accounting procedures to manage perceptions. *Journal of Accounting Research*, 26, 91-119 (Supplement).
- Ettredge, M., Xu, Y., Yi, H. (2013). Fair value measurements and audit fees: Evidence from the banking industry. *Journal of Practice & Theory*, 33(3), 33-58.
- Fields, L.P.; Fraser, D.R., Wilkins, M.S. (2004). An investigation of the pricing of audit services for financial institutions. *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(1), 53-77.
- Goncharov, I., Riedl, E., Sellhorn, T. (2013). Fair value and audit fees. *Review of Accounting Studies*, <https://ssrn.com/abstract=1855628>.
- Khodadadi, V., Veisi, S., Cheraghinia, A. (2016). Management uncertainty and audit fees. *Journal of Accounting Knowledge*, 27(7), 109-133 [In Persian].
- Krishnan, G.V., Pevzner, M., Sengupta, P. (2012). How do auditors view managers' voluntary disclosure strategy? The effect of earnings guidance on audit fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(5), 492-515.
- Kumarasiri, J., Fisher, R. (2011). Auditors perceptions of fair-value accounting: Developing country evidence. *International Journal of Auditing*, 15(1), 66-87.
- Mohammadrezaee, F., Yahyae, M., Hosseinisahi, S.A. (2015). The effect of the adoption of international financial reporting standards on risk and audit fees. *Iranian Quarterly Certified public Accountant*, 31(43), 69-79 [In Persian].

- Muller, K.A., Riedl, E.J., Sellhorn, T. (2011). Mandatory fair value accounting and information asymmetry: Evidence from the European real estate industry. *Management Science*, 57(6), 1138-1153.
- Nikbakht, M.R., Tanani, M. (2010). Test of factors influencing financial audit fees. *Iranian Journal of Financial Accounting Research*, 2(2), 111-132 [In Persian].
- Rahmani, A., Hamidi, E. (2007). Theoretical and practical foundation of revaluation of fixed assets. *Monthly Iranian Institute of Certified Accountants*, 176, 56-63 [In Persian].
- Rajabi, R., Ghorbani, M., Shabani, K. (2015). The relationship of auditing fees with earnings quality and independence of the board in Tehran Stock Exchange. *Iranian Journal of Auditing Knowledge*, 59(15), 109-126 [In Persian].
- Pourheydari, O., Safipour Afshar, M. Goodarz, A and Safipour Afshar, M (2014). Investigating the effect of audit quality on audit fee and underpricing of IPOs. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 7(26), 31-51 [In Persian].
- Seetharaman, A., Gul, F.A., Lynn, S.G. (2002). Litigation risk and audit fees: Evidence from UK firms cross-listed on US markets. *Journal of Accounting and Economics*, 33(1), 91-115.
- Zalaghi, H., Bizar, K., Kamarei, H. (2014). Examining the relationship between agency theory with audit fees and presentation of model of estimation auditor fees. *Second National Conference on Applied Research in Management Sciences and Accounting*. Tehran University [In Persian].